

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

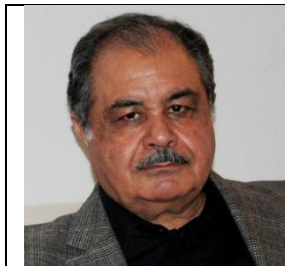
www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني : آزاده ، ټولنيزه ، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!



داکتر اسدالله «حبيب»

تاریخ نشر : 23 دسمبر 2015 م

زبان دری از گفتار تا نوشتار

بخش شانزدهم

مورد توجه قرار دادن :

این عبارت که سه جزء آن عربی و یک جزء فارسی است کوتاه تر و دریتر شده می تواند ، یعنی توجه کردن ، نظراندازی یا نظرانداختن ، نگریستن و همچنان :
مورد آزمایش قرار دادن : آزمایش کردن ، آزمودن

مورد مطالعه قرار دادن : مطالعه کردن ، خواندن .

در زبان دری هم کتاب خوانده می شود و هم سرود خوانده می شود هم درس خوانده می شود .
مورد بازجویی قرار دادن : بازجویی کردن
مورد ژرفنگری قرار دادن : ژرف نگریستن، ژرف نگری کردن ،
مورد تشویق قرار دادن : تشویق کردن
مورد نوازش قرار دادن : نوازش کردن
مورد تعقیب قرار دادن : تعقیب کرد ، پی گرفتن
مورد نکوهش قرار دادن : نکوهش کردن ، نکوهیدن

پیام اطلاعاتی :

پیام خود خبر و اطلاع معنی دارد. پس پیام اطلاعاتی عبارتی مانند : رویایی در خواب دیدن یا نوشته رانوشتن است. و درباره اطلاعاتی بنگرید به این واژه .

اطلاعاتی :

از گونه اطلاعات ، مربوط به اطلاعات و اطلاعات ، به معنای رسانه ها (وزارت اطلاعات) عام شده است. بهتراست در دیگر جاها به جای اطلاعاتی ، اطلاعی ، گزارشی یا خبری به کاربرد. همچنان انتخابات، انتشارات، احترامات، اختراعات و اکتشافات ، افتخارات، این واژه ها دری شده اند ، هم از نگاه ساخت و هم از نگاه معنا ، به این توضیح که درک و دریافت دری زبانان از آنها از آنچه عربها می فهمیدند به تمامی فرق دارد .

انتخابات همه کارهای وابسته به انتخاب نماینده نمایندگان را می گویند . انتشارات همه دم و دستگاه و کارهای مربوط به نشر را می گویند. احترامات تأکید بر کم و کیف احترام معنا می دهد .

واکتشافات همه کارهای مربوط به اختراع و کشف را می گویند. افتخارات همه رویدادها و چیزهایی که افتخار را سبب شده است.

از پیشین تعیین شده :

پیشین خود قبلی یا چیزی از پیش بوده یا شده معنا می دهد. پس از پیشین تعیین شده را به جای از پیش تعیین شده نمی توان به کاربرد. پیشین خود از پیش بوده یا شده معنی می دهد .

تقدم و تأخیر :

تقدم فعل لازمست و تأخیر متعدی . آنچه در نظر است از این عبارت بر نمی آید . در عوض تقدیم و تأخیر یا تقدم و تأخر می توان به کاربرد.

نیای معانی :

کسی بدعتی به خرج داده لقب بیدل یعنی « ابوالمعانی» را نیای معانی ترجمه کرده و در نوشته هایش به کاربردده است . این بدان می ماند که ملک الشعرا را هم شاه شاعران بنویسیم ولسان الغیب حافظ را هم « زبان ناپیدای قرآن به یاد دار» ترجمه کنیم و سعدی را هم که افصح المتکلمین نامیده اند « گشاده بسازی بی ناتازیان » « زبانترین سخنوران » بنامیم و خاقانی را هم که « حسان العجم » لقب داده اند فراتر یعنی گزارش و دری سازی تخلص ها و . بنویسیم و از همین گونه افتضاح آفرینی های فراتر نامها ی خاص ! چنین کنشی نادرست است و ناجایز . از ترجمه القاب خاص ، تخلص ها و نامها پرهیز باید کرد .

برگردیم به نیای معانی : اب ابا و ابی پدر معنا دارد نه پدر پدر یا نیا !!

و باز می نویسم که بیدل در چهار عنصر با خود شوخی کنان زیستنامه خود را با لحن طنز اپتدا کرده است. و او هرگز خود را به صورت جدی ابوالمعانی ننماید است و نه کسی در آن روزگار او را ابوالمعانی لقب داده است. و سرسری خوانان که لقب ابوالمعانی را در کنار نام بیدل دیده اند، گمان برده اند که آن واژه لقب بیدل بوده است که نبوده است .

کماکان :

این عبارت ساخته شده از کاف تشبیه و ما یعنی همچنان و یکجایه مانند این که و مثل این که معنا دارد. کان یعنی بود. پس کما کان چنان که بود معنی می دهد. و از همین گونه است عبارتهای کماهی ، همچنان که هست و راست است . در عوض این عبارتهای عربی دری آنها را باید بکاربرد .

بیگار کاری یا بیگاری :

بیگار و بیگاری کاربرد مزد را می گویند ، پس آوردن کار در پهلوی آن کار کار بدون مزد می شود که نادرست است .

نه مصوون ، نه مصوون بل که مصوون :

این کلمه که محفوظ و درامن و امان نگاهداشته شده معنا دارد از صانِ یصوون آمده و بروزن مفعول می باشد. بنابر قاعده ، حرکت واو به حرف پیش از آن می گذرد و ازدو واو ساکن یکی حذف می شود که مصوون می ماند و همین صورت نگارش یعنی با یک واو درست است .

مادام العمر :

تا آنکه زنده باشد، که مادام الحیات هم می نویسند که نوشتن و کاربرد در ی آن برتر است ، یعنی: تاهست ، تا زنده است ، تا زنده باشم .

اظهر من الشمس :

اظهر ظاهرتر روشنتر معنا می دهد و من یعنی از و شمس یعنی آفتاب که همه باهم روشنتر از آفتاب معنا دارد. در عوض این عبارت هم باید عبارت در ی یعنی از آفتاب روشنتر یا برابرهای دیگر آنرا بکاربرد .

با سزا یا بسزا :

واژه بسزا لایق و مناسب و شایسته معنا دارد و صورت دیگر آن سزاوار است که با سزا نوشتن درست نیست .

باز هم ماجرای تنوین :

تنوین در عربی دوزیر، دو زیر و دوپیش را می گویند که صدای نون را بر می آورد. این نشانه در الفبی زبان در ی وجود ندارد و نوآموز آنرا نمی آموزد و تنها گاهی که در روند کاربرد زبان درنوشتار یا گفتار به آن بر می خورد برایش می گویند که این تنوین است و چنین خوانده و نوشته می شود. باید زیاد کم که از سه حالت تنوین تنها واژه های دارای دوزیر در زبان در ی جاگزین شده اند .

به این مثالها توجه بگمارید :

عمدتاً ، اصلاً ، لزوماً ، مطمئناً ، حتماً ، عموماً ، نهایتاً ، نسبتاً ، صرفاً ، اساساً ، شخصاً ، بعداً ، شدیداً ، ذاتاً ، متعاقباً ، دقیقاً ، عمیقاً ، عمداً ، تدریجاً ، واقعاً ، یقیناً ، سریعاً ، صراحتاً ، اصلاً ، کاملاً ، احتمالاً ، مثلاً ، فرضاً ، قبلاً ، عملاً ، فوقاً ، مفصلاً ، مختصراً ، متقابلاً ، متحداً ، صریحاً ، جبراً ، قهراً ، احتراماً ، لطفاً ، ضمناً ، کتباً ، رسماً ، معناً ، ظاهراً ، باطناً ، واضحاً ، ثانیاً ، مستقیماً ، راساً ، شرقاً ، غرباً ، شمالاً ، جنوباً ، نظماً ، نثراً ، کلاً ، تماماً ، قانوناً ، اصولاً ، اخلاقاً ، جنساً ، قلباً ، اکنون شماری ذهنهای جستجوگر برای رفع مشکل نبود تنوین در الفبی زبان و بودن آن در زبان به چنین راه حلهایی قانع شده اند ، که :

یکم ، در جای تنوین « نون » بنویسند، مانند: اصلن ، مثلن ، جبرن و دیگر .
دوم ، شماری دیگر تنوین را با عبارتها شکسته اند ، مانند: به صورت عمده ، دراصل ، طورلزوجم ، اطمینان می توان داشت ، به صورت حتمی ، به صورت عموم ، درنهایت، به نسبت ، صرف ، دراساس ، خودش یا خودم و... ، بعد و...

سوم ، کسان دیگری معادل در ی بسته اند، که برای بعض یافته اند ، نه برای همه ، مانند: به گونه نمونه ناگزیر، در فرجام ، تنها ، ازبنیاد ، سپس یا پس ، یکپارچه و ...
باهمه این کوششها تنوین مانده است و می ماند. شاید ساده تر باشد که درالفبی زبان برای آن جایی در نظر گرفته شود .

نیازمندی به نوشتن شد مد و حرکتها

یا نبود آنها :

در زبان در ی شماری واژه ها هستند که مشدد خوانده می شوند ، یعنی مانند دو حرف و شماری واژه

به این نمونه ها بنگرید . های همانند که بدون تشدید یا مانند یک حرف برزبان می روند :
دَرّه دُرّه ، کَرّه ، کُرّه ، تَرّه ، بَرّه ، اَرّه ، مَرّه ، سِکّه ، سَکّه ، پِنا ، بِنّا ، مُعین ، مَعین ، عَلی ، عَلّی ،
همچنان درنوشتن شعر و نثر گاهی به گذاشتن نشانه های حرکت ، زیر ، زبر و پیش نیاز افتاده است .
بنابر همان نیاز آن حرکتها درنوشتار دری راه باز کرده اند و در بعض نوشته ها دیده می شوند یعنی
گاهی برای آسان خوانی درنوشته ها جا می گزینند.

اگرچه درگذشته با آسان گیری گفته بودند که از روی جمله و متن فهمیده می شود که مَرَد است یا مُرَد ،
بُود است یا بُود ، سَر است یا سِر ، یا سُر ، دَر است یا دُر ، مَلک است یا مَلِک ، یا مُلک ، نَفَس یا
نَفّس ، شُکر است یا شَکر ، کِرَم است یا کَرَم ، دِین است یا دِین ، مِهَر است یا مَهِر یا مُهَر ، مُشترک
است یا مُشترَک ، مِصوَر است یا مِصوَر ، مُذْهَب یا مُذْهَب یا مَذْهَب ، سُرُور است یا سِرُور و دهها مثال
دیگر .

نکته توجه انگیز دیگر این است که شاگرد یا زبان آموز در صفحه نخستین کتاب درسی به « آب »
برمی خورد و برایش می گویند : الف ، مد ، بی . مد چیست ؟ در کجا بخواند و از کجا بداند که مد
چیست؟ این مد در آسمان هم هست، در آسان هم هست ، در آسمایی هم هست، در آمو هم هست در آخر
هم می آید ، در آتش هم هست که تنها در آغاز بعض واژه ها جادارد و بس .
اگر نیاز به نوشتن آنها (شد ، مد ، زیر ، زیر و پیش) هست چرا در صفحه الفبی حرکتها یاد شده را
درج نکنیم و هر کدام را نشناسانیم ؟

ادامه دارد

داکتر اسدالله « حبیب »

www.said-afghani.org بازگشت به صفحه اصلی